

حشره سارینوا

در ذکر مصیبت، خامس آل عبا

لطفعلی قائمی



تابستان ۱۳۹۶

سرشناسه: قائمی، لطفعلی، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: چشمه سار نینوا: در ذکر مصیبت خامس آل عبا / لطفعلی قائمی.
مشخصات نشر: نیشابور: نشر شادیاخ، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱-۱۲۴-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۲-۱۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق - احادیث
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.
موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق
موضوع: عاشورا
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶/۴۱ چ۲ق/ BP
رده بندی دیویی: ۹۵۳/۲۹۷
شماره کتابخانه: ۴۸۳۰۹۰۳



چشمه سار نینوا

در ذکر مصیبت خامس آل عبا (ع)

مؤلف: لطفعلی قائمی

طرح جلد: عبدالجواد صادقی

ناشر: شادیاخ

چاپ و صحافی: پارسیان

شمارگان: ۵۰۰

نوبت و تاریخ چاپ: اول، ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸۶۰۰۵۵۱۱۲۴۶

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

پخش: نیشابور، خیابان فردوسی شمالی، پاساژ ولی عصر، کلبه کتاب کلیدر،

تلفن: ۰۵۱۴۲۲۱۳۳۲۹ / همراه: ۰۹۱۵۱۵۳۷۶۰۳

سخنی با خواننده

اگر سؤال شود: علت انحراف امت پس از وفات پیامبر اکرم (ص) چه بود که منجر به فجایع بزرگی همچون ترور خلفا، شهادت مؤمنین و ائمه‌ی هدی - علیهم السلام - همچنین فاجعه‌ی کربلا و شهادت اباعبدالله الحسین (ع) و اهل بیت مکرم و اصحاب معظم و اسارت مخدرات حرم شریف گردید و خون‌هایی در عاشورای حسینی به زمین ریخته شد که تا حیاهات اثر آن باقی و دوستداران اهل بیت را برای همیشه داغدار نمود؟

جواب: حقیقی این سؤال را باید از لایه‌لای سخنان جدّ گرامی امام حسین (ع) و سر بزرگوارش علی بن ابی‌طالب (ع) جست‌وجو کرد، آن جا که خبر از حقد و کینه‌ی پنهان منافقین ریاست طلب، فرصت جو و توطئه‌گر می‌دهند و آرزویشان از مظلومیت امیرالمؤمنین (ع) و غصب خلافت و تغییر مسیر حق مجاهد به مسیر مصلحت‌خواهی و فریب عامه‌ی مردم با پخش اخبار مبهم، نامعالم و ناشناخته توسط ایادی هم-پیمان کینه توزشان می‌گویند و با شعار «الت همگانی بین دوازده هزار صحابه، کسانی که پیامبر اکرم (ص) را دیده‌اند یا سخنی از وی شنیده و نقل کرده‌اند و اخذ به اطلاق حدیث نبوی که فرمود: «مانا اصحاب من همانند ستارگان می‌مانند که به هر یک از آنها انگیزید، به هدایت خواهید رسید»^۱، نموده‌اند، توطئه‌گران منافق به استناد همین خبر، اهل بیت پیامبر (ص) و معادن علم و عمل را با عامه‌ی مردم یکسان و هم-شان قلمداد کرده، سفارشات پیامبر را نسبت به اهل بیت از یاد بردند، حدیث شریف: «انا مدینه العلم و علی بابها» را فراموش کردند، حدیث غدیر خم را تحریف نمودند، در خانه‌ی رسول خدا (ص) را بستند و

^۱ ان اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم. (بخارج ۲۸ ص ۱۹)

دست عامه‌ی مردم را از دامن خاندان پیامبر کوتاه کردند و به ظلمت
 جهل مرکب وارد نمودند، چنان که نور را از ظلمت تشخیص نمی‌دادند.
 امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه‌ای بلیغ که پس از بیعت مردم با ابوبکر در
 مسجد النبی ایراد نموده، پس از حمد و سپاس خداوند و شهادت به
 رسالت پیامبر (ص) فرمود: «آن بزرگوار رسالت خود را با دلایل روشن
 ابلاغ نمود» که اشاره است به آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی مائده: «یا ایها الرّسول
 بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتک» که در این آیه
 منظور از ابلیغ رسالت، اعلام ولایت امیرالمؤمنین بوده است که در غدیر
 خم به عنان تکمیل رسالت بیان شد و راه روشن و مسیر واضح را که
 مسیر اهل بیت (ع) بود، به مردم ابلاغ نمود. سپس امام (ع) فرمود: «ای
 امتی که فریب دسترس‌ناپذیر و فریب خورد و فریب فریبکاران شناخته شد
 لکن امت بر آن اصرار داشت و خواهان پیروی از آن بود، در نتیجه بر
 شتری کور نشست که همه چار را زیر دست و پایش نرم و نابود
 ساخت. راه حق برای فریب خورنده‌ها آشکار شد، از آن روی گردانیدند
 و راه حقیقت واضح و روشن شد، به راه رفتند»^۲. سپس می‌فرماید: به
 خالق نباتات و حیوانات قسم که اگر دانش را از ایمان و ایمان را از زلال
 حقیقتش فرا می‌گرفتید و عمل خیر را در موضع خیر نذخیره می‌کردید
 و راه روشن را می‌رفتید و سالک حق بودید، آن چنان حق بر شما
 واضح می‌شد که هدایتگر جوامع بشری بودید و اسلام در رجه شما
 می‌درخشید و زندگی بابرکت و پربراری داشتید، به نحوی که فقیر و
 حاجتمندی در بین شما پیدا نمی‌شد که حاجتش برآورده نشود و به هیچ
 مسلمان و هم‌پیمانی ستم روا نمی‌داشتید لیکن شما گمراهی را انتخاب
 کردید و دنیای با این وسعت بر شما تاریک و ظلمت‌کده شد و درهای
 علم و دانش بر شما بسته شد، به هوای نفس سخن گفتید و عمل کردید

و اختلاف در دین ایجاد کردید و بدون علم فتوا دادید و از گمراه شدگان پیروی کردید و راه تاریک و ظلمانی را پیمودید، اثمی خدا را ترک کردید و آنان نیز شما را ترک کردند. هر گاه جویای حقیقت شوید و از اهل ذکر سؤال کنید و جواب او را بشنوید، خواهید گفت: علم واقعی و حقیقی این است، لیکن این اقرار و اعتراف را چه سود و حال این که عمل شما برخلاف آن است و امام را ترک نمودید و با او مخالفت کردید و با غیر اهل ذکر بیعت کردید، مقدار کمی که از این ایام بگذرد، آنچه را کاش می‌باید، درو خواهید کرد و گرفتار جرم و جنایت خواهید شد و نتیجه - ی عمل خود را خواهید دید، به خدا قسم شما می‌دانید که من امام شما هستم که پیامبر اکرم (ص) به شما امر نموده و کسی هستم که علم من مایه‌ی نجات شما خواهد بود، وصی پیامبر شما و مختار پروردگار شما و نور ایمان شما در عالم به آنچه به صلاح و موجب خوشبختی شما هست، می‌باشم. به زودی آنچه به شما گفتم، تحقق خواهد یافت و آنچه بر اقوام سلف گذشت، بر شما نازل خواهد شد و به زودی خداوند نسبت به امامان از شما بازپرسی خواهد کرد و هر کس را با امام خودش محشور خواهد نمود و حسابتان با خدا بزرگوار است. به خدا قسم: اگر به تعداد اصحاب طالوت و اصحاب بدر باور می‌داشتم که همانند شما منافق نبودند، شمشیر می‌کشیدم و جهاد می‌کردم تا منافقین توبه کنند و به حق برگردند و رفیق و مدارا بهتر است از جنگ و کشتار و تفرقه در صورت عدم یاورانی همچون یاران طالوت.

راوی گوید: امیرالمؤمنین از مسجد خارج شد، شب تعداد ۳۶۰ نفر خدمت امام رسیدند و بیعت به موت نمودند. امام فرمود: اکنون بروید فردا وعده‌گاه ما احجارالزیت (موضعی در مدینه) درحالی که سرها را تراشیده باشید. صبح شد و تنها پنج نفر با سر تراشیده حاضر شدند. حضرت فرمود: شما هم بروید؛ زیرا آنان در تراشیدن سر از من تبعیت نکردند، چگونه تا حدّ موت مقاومت و متابعت خواهند کرد. سپس دست -

ها را به آسمان بلند کرده، عرضه داشت: خدایا! این قوم مرا خوار و ذلیل کردند همچنان که بنی اسرائیل هارون را، خدایا! تو می‌دانی آنچه را که پنهان و آشکار است و چیزی در زمین و آسمان بر تو پوشیده نیست. مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق کن، کسی زائر بیت الله است که به خانه‌ی خدا برسد؛ یعنی هر کس مسلمان و صالح بمیرد، به حق رسیده است.^۲ با این بیان نورانی امام (ع) جواب سؤال گذشته روشن و واضح است. و اما کینه و عداوت سران کفر و نفاق نسبت به علی (ع) ناسی از جنگ‌های بدر، احد، حنین و غیره، جهل امت نسبت به اصول اساسی احکام اسلام در اثر کج روی ریاست طلبان منافق، تغییر مسیر شناخت و انسداد باب علم از سرچشمه‌ی نور نبوت و اهل بیت پیامبر اکرم (ص) تأخیر احکام اجتماعی اسلام از حقیقت جویی به مصلحت طلبی در جهت تسهیل سوء استفاده‌ی منافقانه در موقعیت‌های مختلف، ادعای بی‌نیازی از اهل بیت (ع) و بی‌توجهی به حدیث ثقلین^۳ که عدل قرآن معرفی شده بودند. می‌باشد.

اگر نبود حقد و کینه‌ی مشرکین به ظاهر مسلمان و بخل و حسد دیگر مسلمانان به ظاهر دوست تنها همین حدیث تاریخی شناخت امام برحق کفایت می‌کرد، لیکن صد افسوس که نفس اماره و شیطان رانده شده، وسواس خناس فرزندان آدم را رها نمی‌کند و پیوسته در پی فریب آنان است. از سلمان فارسی روایتی نقل شده که: پس از بیعت مردم با ابوبکر در سقیفه بنی ساعده وی به مسجد النبی آمد و بر منبر نشست. من به خدمت علی (ع) رسیدم درحالی که حضرت رسول (ص) را غسل داده بود، من و مقداد و ابوذر و حسنین و فاطمه وارد خانه شدیم. پشت سر

^۲ بحارالانوار، جلد ۲۸، ص ۲۶۲

^۳ قال رسول الله (ص): انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

امام (ع) بر جنازه‌ی پیامبر اکرم (ص) نماز خواندیم. سپس عرضه داشتیم: ابوبکر بر منبر رسول خدا (ص) نشست و مردم با او بیعت می‌کنند! حضرت فرمود: اولین کسی را که با او بیعت کرد، شناختی؟ گفتم: خیر لیکن پیرمردی را دیدم عصا به دست، اثر سجده بر پیشانی، که به شدت خوشحال بود و گفت: حمد می‌کنم خدای را که مرا زنده نگه داشت و تمیراند تا این که تو را در این مکان دیدم. دست بیعت را بده، بیعت کرد. سپس گفت: امروز همانند روز آدم است. سپس از منبر فرود آمد و از مسجد خارج شد.^۱ امیرالمؤمنین فرمود: رسول خدا (ص) به من فرموده: من که از دنیا بروم، مردم با ابوبکر بیعت می‌کنند و او کسی که بر روح من با او بیعت کند، ابلیس است که به صورت پیرمردی ظاهر می‌شود و جنیر و چنان می‌گوید: آری، این بود قسمتی از علت انحراف امت پس از من. رسول اکرم (ص) و اما در خصوص شهادت امام حسین (ع) اسرار فراوانی وجود دارد که به بعضی از آن در مدخل کتاب اشاره شده، امید که برای نویسندگان حقیقت مفید و برای یابندگان آن کافی به نظر رسد.

بارالها! ما را با حقیقت آشنا و با شهادت راه حقیقت محشور گردان.
آمین رب العالمین.

شرح حال مؤلف

این حقیر در خانواده‌ای مؤمن و کشاورز متولد شدم، از مکتب‌خانه و مدارس روستایی بهره گرفتم. در ایام نوجوانی افتخار همکاری با پدرم

^۱ الحمد لله الذی لم یمتنی حتی رایت فی هذا المكان ابسط یدک... ثم قال: یوم کیوم

آدم. ثم نزل فخرج المسجد... بحار ج ۲۸ ص ۲۶۲-۲۶۴

^۲ فآخبرنی رسول الله (ص) ان لو قبض ان الناس سیبایعون ابابکر... فیکون اول من یابعه علی منبری ابلیس فی صوره شیخ کبیر مشمر یقول کذا و کذا... (بحار ج ۲۸ ص ۲۶۳)